

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الكرسي)

ج ۱۰: تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الكرسي)

خلاصه جلسات قبل؛ سیر ۳ گانه روایی و زوایای ۳ گانه قرآنی در تبیین اربعین

در جلسات گذشته مباحثی را با تمرکز بر اربعین با عنوان «نور اربعین خاموش نخواهد شد» آغاز کردیم؛

فضایی را با توجه به روایات زیارت، با توجه به روایت زیارت اربعینیه امام عسکری(ع)، و با توجه به دعای صادر شده از امام صادق علیه السلام در حوزه زیارت اربعینی طی کردیم و سپس وارد فضای قرآنی شدیم.

عرض کردیم که با سه زاویه قرآنی می توان ماجرا و پدیده اربعین را مطالعه کرد؛ زاویه اول ورود از مدخل قرآنی «لقاءالله» مبتنی بر کلیدواژه روایی «زیارت» که در جلسه قبل بحث آن را در آیات سوره بقره پی گرفتیم.

زاویه دوم بررسی زیارت و اربعین در قرآن بر اساس دایره مفهومی روایات مربوطه است که به لحاظ ضیق وقت می گذریم.

و زاویه سوم ورود به فضای راهپیمایی اربعین و کشف اثرات این پدیده بر جان مخاطب است که مورد مطالعه و تطبیق با «جریان های قرآنی حاکم بر عالم»، همچنین «راهبردهای قرآنی» قرار خواهد گرفت. توجه داشته باشیم که در گام های بعدی می توان این پژوهش را از دو سرفصل مزبور آغاز نمود و بر آثار موجود تطبیق داد.

بر حسب ضیق وقتی که شکل گرفت، چاره ای ندارم جز اینکه حجم بالای مطلب قرآنی را خلاصه کنم. و اگر به خودم بود مایل بودم جلسه امشب را به ابعاد دیگر بحث قبلی اختصاص دهم، ولی بیش از این دیگر فرصت نیست.

سومین شیوه قرآنی در اربعین پژوهی: تطبیق تأثرات مشترک زائران اربعینی، با آیات قرآن

در این بخش بر اساس زاویه سوم به فضای راهپیمایی اربعین ورود کرده، «تأثرات الهی و اربعینی» که بر جان راهپیمایان و زائران نشسته است را لحاظ کرده و بر اساس آن، وارد مطالعات تطبیقی در حوزه «جریان های الهی حاکم بر عالم» و «راهبردهای قرآنی» خواهیم شد، ان شاء الله.

بر این اساس، به هنگام ورود در فضای زیارت و راهپیمایی عظیم اربعین چنین می بینیم که - علی رغم سطوح متفاوت، نیات متفاوت و اعمال متفاوت شرکت کنندگان در این پدیده عظیم - دریافت ها و آثار مشترکی در میان افراد مختلف شکل گرفته است. موضوعاتی که به شکل عمومی به وجود آمده و در سنین مختلف همچون کودک و مسن سال گرفته تا سطوح مختلف فکری و معرفتی اعم از فرد عامی و متخصص شیوع پیدا کرده است!

شش نمونه از تأثرات مشترک زائران اربعینی؛ دریافت حسی نورانی و آسمانی، خدایی بودن زیارت، احیاء زندگی و ایجاد مسیر و مقصد صحیح، وحدت درونی و میدانی، ارتقاء ادراک از امامت و زیارت، تقید به منطق به خاطر محبوب

یکی از موضوعات مشترکی که مورد توجه اکثریت راهپیمایان و زائران اربعین قرار گرفته است و دیده می شود دریافت «حسی نورانی و آسمانی» است، حسی که حکایت از «طهارت باطن» دارد. اکثر کسانی که زائر اربعین اند و در جاده های منتهی به حرم سیدالشهدا ع حرکت می کنند از حس رهایی از دنیا، آزاد شدن از غل و

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

زنجیر، سبکی و رفع تعلقات، حس محرم شدن، پاک شدن، طاهر شدن، آسمانی شدن و... سخن می گویند. برخی با تعبیر «سبک شدن و رفع تعلقات» از آن یاد می کنند، برخی با تعبیر «در دنیا نبودن»، «بر ابرها گام برداشتن»، برخی با تعبیر «نورانی شدن» و دیگر واژه‌های مشابه.

موضوع مشترک دیگری که مورد توجه عموم راهپیمایان و زائران اربعین قرار گرفته است و نسبت به آن شهادت و گواهی می دهند «خدایی بودن این زیارت» است. کثیری از زائرین اذعان دارند که فضای شکل گرفته در این زیارت پر عظمت و این پدیده و جریان بی نظیر، فضایی متأثر از عنایات خدای متعال بوده و برگزاری اینچنینی آن، خارج از حیطه قدرت یک ملت یا دولت است! برخی نسبت به کلیت فضا چنین می گویند، برخی نسبت به امنیت فضا چنین قائل اند، برخی در موضوع اطعام عظیم و میلیونی چنین نظر دارند و برخی نیز در موضوعات دیگر! اما در مجموع، «حس حضور گسترده خداوند» در زیارت اربعین و این پدیده عظیم، موضوعی است که وفاق جدی نسبت به آن به وجود آمده است.

موضوع مشترک دیگری که مورد گفتگوی بسیاری از مخاطبین اربعین و زائران این پدیده قرار گرفته است و مورد تعجب است، سخن از «احیاء زندگی و ایجاد مسیر و مقصد صحیح» است! گویی مدت ها است که زائران سرگردان بوده، زندگی آنان جهتی نداشته و با ورود به این فضا، بیداری، نشاط، بصیرت در هدف و مسیر شامل حالشان شده و زندگی شان جهت یافته است. لذا بر اساس احیاء جدید، تصمیماتی جدید را برای پیشبرد اهداف عالی و انسانی در سر می پرورانند.

موضوع مشترک دیگری که در فضای زیارت و راهپیمایی عظیم اربعین مورد توجه قرار گرفته است «وحدت درونی و میدانی» است که حیطه های سرزمین عراق، ظرفیت شیعیان، مذاهب اسلامی، و موحدین زائر از ادیان مختلف را در بر گرفته است.

چنانکه می دانیم عراق، جامعه ای به شدت قبیله‌ای و فرقه گرا بوده و تشتت، از بروزات پیوسته این فضا است. گویی عشیره‌گی و قبیلگی در خون سرزمین عراق ریشه دوانده است. این سخن در میان کثیری از افراد عراقی اشتها دارد که عراقی‌ها دو وضعیت دارند؛ یک وضعیت عمومی سال و یک وضعیت جنون ایام اربعین به مدت بیست روز و یا یک ماه! وضعیت دوم که به تعبیر صحیح، عاشقی می بایست نام نهاد، وضعیتی است که یک وحدت درونی، وحدت ملی، وحدت اسلامی و وحدت بین‌الادیانی را در میدان عمل شکل داده است. در ایام اربعین، عراق دارای پیکره ای واحد، کنشگر و دارای جهت است! در بخش‌های اندکی نیز این انسجام، به سمت فضای دشمن سوق یافته است!

موضوع مشترک دیگری که در فضای زیارت و راهپیمایی عظیم اربعین وجود دارد و بر سر آن صحبت‌های زیادی می شود، «ارتقاء ادراک از امامت و از زیارت» است. نوع نگاه به امام در این فضا به شکل جدی در حال ارتقاء

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

بوده و در سخن اندیشمندان و عامه راهپیمایان در حال رویت است. یک اندیشمند، راهپیمایی اربعین را «تجلی امام در قالب جریان چند میلیونی» می داند (استاد طاهرزاده از اصفهان) و اندیشمند دیگر معتقد است که «جامعه حول امام پس از سال ۶۱ هجری برای اولین بار در راهپیمایی اربعین با ظرفیت چند ده میلیونی در حال شکل گرفتن است» (آیت الله سید مهدی میرباقری). کثیری از مخاطبین عمومی نیز حس و فهم خود از نسبت عمیق و جدی میان این فضا و امام و ماموم، همچنین نسبت میان زائر و مزور را به فراخور حال خود با کلمات مختلف بیان می نمایند.

در این ایام محرم، خدمت جوانی بودم، سوار ماشینش شده بودم. در خلال مسیر شروع به صحبت کرد. از گذشته‌اش گفت و از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام در سال قبل. و از اینکه امروز دو نفر از دوستانش را راهی کربلا کرده و دو نفر دیگر را هم تا فردا می خواهد راهی کند. خودش هم اگرچه گرفتار بود اما در حال تلاش بود تا بتواند اربعین کربلا باشد. او می گفت کسی که یک بار برود دیگر نمی تواند بنشیند! این نمونه ای از موارد متعدد است.

موضوع مشترک دیگری که در بین راهپیمایان اربعین شیوع پیدا کرده و دیده می شود رفتار «به خاطر محبوب است». منطق «به خاطر محبوب» متفاوت از منطق «ثواب و عقاب» بوده و تبعاتی متفاوت از یکدیگر خواهد داشت. در منطق ثواب و عقاب - که در حیطه خدای متعال به عنوان فضایی تربیتی و مستحکم مطرح می باشد- به خاطر پاداش تلاش می کنیم، و از ترس عقوبت افعال ناپسند را ترک می کنیم. چون وزنه ثواب عمل ما سنگین است سمت بهشت می رویم و چون وزنه منفی عمل فلان فرد سنگین است سمت جهنم می رود. این آغاز و انجام این منطق است.

تغییر حیرت انگیز منطق تربیتی «ثواب و عقاب»، به منطق «به خاطر محبوب»، به بهانه جریان عظیم اربعینی

غیر از منطق ثواب و عقاب، منطقی دیگر توسط السابقون السابقون پیگیری شده است؛ منطق رفتاری ایشان نه انجام عمل به خاطر پاداش و کسب بهشت بوده، و نه ترک عمل به خاطر ترس از جهنم و دوری از عذاب! منطق السابقون همان منطقی است که امیر المومنین علی علیه السلام با افتخار، شالوده عمل خویش را مبتنی بر آن مطرح می فرمایند:

من عبادت تُجار را ندارم، عبادت کسانی که از ترس آتش جهنم خدای متعال را پرستش می کنند را من ندارم. یک عبادتی وجود دارد عبادت احرار است و من این جنس از عبادت را دارم، خدای متعال را به خاطر خودش می پرستم چون خدا، شایسته ستایش است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

در این منطق، نه جهنمی شاخص عمل هست و نه بهشت، گر چه صاحبان این منطق، بیشترین دوری را از آتش جهنم داشته و در بالاترین درجات بهشت اند! شاخص و طراز عمل ایشان، کسب رضایت خداوند است. ما از این منطق، با عنوان «به خاطر محبوب» یاد می‌کنیم.

بر خلاف السابقون و پیشتازان عرصه دین، منطق رایج عموم خوبان از ابتدای حضور در دنیا، منطق کسب ثواب و دفع عقاب بوده است. بر اساس آنچه در سیر تربیتی بشریت مشهود است امروزه نیز حتی پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، ۳ گانه مطرح در سخن امیرالمومنین ع، مورد کاوش قرار نگرفته و خروج از منطق های تربیتی اول و دوم به سوی منطق و نظام تربیتی «به خاطر محبوب» وجهه همت قرار نگرفته است!

منطق تربیتی حاکم بر محافل علمی و آموزشی ما، مجالس، منابر و مساجد، همچنین بدنه اجتماعی ما، جز منطق «ثواب و عقاب» چیزی نبوده است. این موضوع، نه فقط در فضای اجتماعی ما که در میان سایر اهالی جامعه توحیدی نیز به عنوان فضای اصلی و شایع شناخته می‌شود.

زیارت و راهپیمایی اربعین برای اولین بار در طول تاریخ، در حال شکل دهی تحولی عظیم در نظام تربیتی و اجتماعی موحدان عالم است!! بر اساس شواهد گسترده، خدای متعال به بهانه این زیارت و در صحنه میدانی آن، جایگزینی منطق و نظام تربیتی «به خاطر محبوب» با نظام تربیتی «ثواب و عقاب» را آغاز کرده است!

بر اساس مشاهدات عینی پژوهشگران، در آغاز شعله کشیدن این عواطف جمعی در سال های پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ شمسی، کثیری از صاحبان مواکب نجف تا کربلا، انگیزه حضور و خدمت رسانی خود به زوار را اخذ حاجت از امام ع، رفع گرفتاری و مشکلات زندگی، شفای بیماری، ادای نذر و در مجموع یک «معامله با امام» بر شمرده اند. یعنی دادن چیزی و اخذ چیزی دیگر! امروزه این گویش تغییر کرده است؛ «بخاطر امام، بخاطر حسین ع، به عشق حسین ع، بخاطر او، چه چیزی بدهد و چه ندهد، منتظر عطای حاجت از جانب او نیستم، برای معامله نیامده ام و...» ادبیاتی است که امروز در میان کثیری از صاحبان مواکب شیوع یافته است (عبد مصطفی، مسوول کانون مطالعات دانشجویان عراق؛ جلسه آینده پژوهی جریان اربعینی، پژوهشکده فناوری ریاست جمهوری)!

سخن معامله گرانه سال های پیشین، برآمده از نظام تربیتی «ثواب و عقاب» بوده و سخن های اخیر، حکایتگر تحولاتی قلبی و روحی، و حرکت به سوی نظام تربیتی فراتر است! نظامی که بر اساس مختصات گویشی افراد و بر اساس شاخص های معصومین ع، با عنوان نظام «به خاطر محبوب» نام یافته و در میدان عمل نیز، با جریان محبت بی دریغ و دارای جهت توسط عموم، بزرگترین گردهم آیی عالم و نقطه ثقل امت اسلامی را در دوران اختلافات و تشتت ها شکل داده است!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

براستی این حجم از تحول شگفت آور، پس از ادوار طولانی، بدون آموزش نظام مند، در میان جمعیت کثیر، از نمایندگان ۶۷ کشور، و از ادیان مختلف، آن هم در فضای سخت امروزی، و در سرزمینی با شرایط پیچیده و دشوار عراق از کجا نشأت گرفته است؟ جز دست قدرت خدای متعال و تاثیر نور حق، آیا می توان عاملی دیگر را مورد توجه قرار داد؟!

چنانکه گذشت در عرصه میدانی و عظیم «زیاره الاربعین»، ویژگی های کلان فوق به شکل گسترده قابل مشاهده است لذا می بایست وارد میدان شویم و ویژگی های مزبور را در قرآن مورد مطالعه قرار دهیم.

ذکر برخی جریانات الهی حاکم بر عالم جهت تطبیق با تاثرات واقع در ایام اربعین

برخی از «جریانات الهی حاکم بر عالم» که در قرآن مذکور است عبارتند از: جریان نور و ظلمت و ولایت، جریان و برنامه اتمام نور، جریان آیات واقع در شبانه روز، جریان فرهنگ آینده و بهره از آن، جریان تمدن و حرکت با گام هایی استوار و... جالب آنکه در این منطق، «جریانات» فراتر از «راهبردها»ی مطرح در این شیوه بوده و دایره شمولیت آن، عمدتا فراتر از انسان ها تعریف می پذیرد.

معرفی جریان نور و ظلمت در عالم و چگونگی بهره مندی از آن با مکانیسم ولایت

بر اساس گفتمان قرآنی، یکی از جریانات حاکم بر فراز عالم و تاریخ بشر، جریان «نور و ظلمت» است! و ابزار قدرتمند «ولایت» ابزاری برای بهره مندی از این دو جریان قرار داده شده است! بر اساس قاعده مزبور، هیچ چیزی در عالم نیست که از فضای نور و ولایت خدا و یا از فضای ظلمت و ولایت طاغوت خارج باشد. ما نمی توانیم بگوییم بعضی از افراد یا سایر مخلوقات، نه تحت ولایت خدا هستند و نه تحت ولایت طاغوت! بلکه بینابین اند! قرآن کریم به عنوان کتابی که از قوانین حاکم بر عالم سخن می گوید، موضوع مزبور را نفی کرده و جبهه بندی عالم بر اساس ولایت و مکانیسم بهره مندی از آن را در آیات مختلف - از جمله سوره بقره و آیه الکرسی - اینچنین مورد سخن قرار داده است:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»

اگر کسی با ایمان گره بخورد، منطقی کلی بر او حاکم شده و در مکانیزم بهره مندی از الله قرار می گیرد. بهره مندی از الله، از طریق پیوند ایمانی با ولایت الله و حاکمیت آن بر فراز وجود انسان و زندگی او شکل خواهد گرفت. این حاکمیت، موجبات خروج از درکات ظلمت و ورود به درجات نور را در پی خواهد داشت؛ خروج از ظلمات عمق، درکات جهنم و تعلقات دنیا، همچنین حرکت به سمت ارتفاعات، سوق به فضای آسمانی و طی درجات نور، از آثار پیوند با ولایت الله شمرده می شود.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الكرسي)

تأثیر ولایت الله و ولایت طاغوت، و معرفی برخی از مراحل آن

تعبیر مطرح در آیات سوره بقره - در موضوع خروج مومنین و سوق دادن ایشان از ظلمت به سمت نور- در آیات دیگر قرآن نیز تکمیل شده و گام ها و مراتب آسمانی آن مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. آیات اولیه سوره ابراهیم علیه السلام، این سیر را در چارچوب نور، درجات نور، مسیر به سوی صراط، همچنین صراط عزیز حمید مورد سخن قرار داده است.

بر این اساس، فضای نور، فضایی انتزاعی و یا تک بعدی نبوده و دارای درجات مختلف است. انسان مومن نیز مشمول ولایتی الهی شده و از درکات و سطوح مختلف جهنم - که بروز همین دنیا و نفسانیات آن است - پله پله کنده شده، بالاتر برده شده و طی درجات نور می کند. این قاعده و قانون بر فراز موضوعات عالم و حیطة‌های آن پیوسته در جریان است.

معکوس آنچه گفته شد نیز نسبت به جبهه کفر مطرح می باشد؛ حاکمیت ولایت طاغوت بر ایشان واقع شده و از سرزمین های الهی به سوی اعماق و درکات ظلمت سوق می یابند:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ.....»

کسانی که کفر می ورزند یعنی چه می کنند؟ یعنی چیزهایی را می پوشانند؛ چیزهایی که خدای متعال در درونشان قرار داده و به ایشان هدیه کرده است؛ همچون نور فطرت، نور عقل، جاذبه حقایق، رویت نعمات، باورهای ایمانی، ولایت حق و... که در معرضشان قرار گرفته است. و چون به دست خود کفر می ورزند، ابتدا عطایای الهی مذکور را پوشانده، سپس مشمول ولایت طاغوت شده و پله به پله از فضای بالادستی به سوی اعماق سقوط می یابند

امکان مطالعه قرآنی تاریخ با محوریت ولایت و ترسیم جبهه حق و جبهه باطل

بر اساس آنچه گذشت، نور الهی در دسترس همه انسانها بوده و خود به حسب اختیار، وارد ظلمت شده و تا اعماق سقوط یافته و یا مشمول ولایت شده و به سوی نور و صراط رهنمون می گردند. اساسا مبتنی بر همین نگرش قرآنی، می توان تاریخ جدیدی را با محوریت جبهه حق و جبهه باطل سامان داد، و پیوستگی قطعات به ظاهر منفک جبهه حق و همچنین باطل را به دقت و وضوح بر خط زمان مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در این میان، «ولایت الله» آن نخ تسبیح اتصال جبهه حق و ولایت طاغوت، نخ تسبیح جبهه باطل شمرده می شود. این نخ تسبیح، تاریخ تمام پیامبران، تمام اوصیاء و تمام نیکان را از سویی، و تمام اشرار و ظالمین عالم را از سوی دیگر به هم متصل ساخته است.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

بر اساس متون روایی، «ولایت الله» در دایره ای وسیع تر و فراخ تر از انسان یعنی ملائک و جنیان، همچنین سایر مخلوقات و اشیاء، مبنای تغییرات و آثار فراوان بوده است. روایات مربوط به طعم و شیرینی برخی میوه ها متأثر از پذیرش ولایت امیرالمومنین ع و تلخی دیگر میوه ها به واسطه رد این موضوع از این جمله اند. بر این اساس، نه تنها انسان که هیچ موجود و مخلوقی، خارج از ولایت الله یا ولایت طاغوت قرار نگرفته است.

بررسی کمی و کیفی ولایت حاکم بر فراز زیارت اربعین، مبتنی بر آثار آسمانی و بی نظیر آن

و اینک وقت آن است که جریان قرآنی مزبور را در نسبت با اربعین و زیارت آن مورد مطالعه قرار داده و نتایج حاصله از آن را مورد تامل قرار دهیم. بر اساس قانون الهی مورد سخن در سطور پیشین، بر فراز جریان اربعینی امروزی نیز، «ولایت»ی قرار گرفته است. اما برآستی پدیده و جریان اربعین، مشمول کدامین ولایت است؟ چنانکه می دانیم وجود فضای ارزشی و تعالی بخش در یک مجموعه، گواه جریان ولایت خداوند بوده و وجود فضای سقوط و گناه در یک مجموعه، حکایت از حاکمیت و ولایت طاغوت و شیطان دارد. بر این اساس، در ماجرای اربعینی، خطور ولایت منفی حتی به مخیله انسان نیز راه نمی یابد!

اگر زیارت اربعین به لحاظ کمی وسعت یافته است، حکایت از وسعت ولایت بر فراز خود دارد! به هر میزان که وسعت و قدرت این پدیده عظیم در خروج از ظلمت و حرکت به سوی نور بیشتر باشد، حکایت از شدت و قوت ولایت بر فراز خود دارد. اگر اربعین امروز، ظرفی برای حضور چند ده میلیونی خوبان شده است، پس میزان ولایت جاری در این عرصه، حداقل به وسعت چند ده میلیون وسعت یافته است!

و اگر اربعین به لحاظ کیفی، فضای رفع تعلقات و آسمانی شدن را در زمانه «سقوط فرهنگی» جامعه بشری و «ولنگاری فرهنگی» در ایران به ارمغان آورده است، حکایت از قدرتی عظیم و اعجاب آور دارد که خروج از درکات ظلمت به سوی ارتفاعات را به شکلی اعجاب آور و معجزه گونه برای قریب به ۳۰ میلیون انسان فراهم آورده است! داشتن حس آسمانی و نورانی، همچنین حس طهارت و تزکیه، در میان کثیری از مومنین، آن هم به شکل پیوسته و رو به تزاید، گواهی بر جریان ولایتی و کم نظیر است که جامعه ایمانی می بایست میزان بهره‌مندی خود از آن را بیش از پیش قرار دهد.

اینک جذب انسان، خروج از ظلمت دنیا و نفس، تعالی انسان تا حد حس نورانی و پرواز روح، تخلق به اخلاق و آداب الهی، تزکیه جمعی و... در ایام زیارت اربعینی، همه و همه حکایت از جریان بی نظیر و فوق العاده در اعمال «ولایت الهی» و بر جامعه ای گسترده از حیث کمی، ملیتی، مذهبی و دینی دارد! جریانی بی نظیر و پیوسته - حداقل به مدت ۶ سال - که به اقرار کثیری از راهپیمایان، نه مشابهی امروزی - حتی در حج - و نه مشابهی در گذشته تاریخ بشر، در هیچ یک نداشته است!!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الكرسي)

به نظر می‌رسد جریان اربعینی که در این سال‌ها شکل گرفته است، قدرت نمایی ولایی الله و خلفاء او را در بیداری و انسجام بخشی جبهه حق به رخ کشیده و در مقابل نقشه بدلی و پوشالی تمدن غرب، نسخه ای شفا بخش و بی بدیل را برای جامعه بشری به ارمغان آورده است! اینک مومنین می بایست قواره این پیکره عظیم را شناسایی کرده و در همراهی نسبت به آن اهل سبقت باشند!

تحولات اجتماعی متأثر از ولایت الهی در این سده؛ انقلاب، بیداری اسلامی و جریان اربعینی، در مسیر و مقصدی واحد

از سوی دیگر، در میانه مشکلات فرهنگی و ناتوانی‌های سیاسی، خدای متعال جریانی عظیم با عنوان اربعین را شکل داده است و چنانکه شاهدیم مجموعه‌های گره خورده به اربعین، به برکت این نعمت الهی، در حال احیاء و بازسازی فضای رفتاری و تعاملات اجتماعی خود هستند.

امروز اربعین، امتداد انقلاب اسلامی را شکل داده و برای باز شدن گره‌های انقلاب اسلامی و برای باز بینی رفتارهای ما در قبال انقلاب اسلامی، هدایایی الهی به ارمغان آورده است. اربعین، زاده همان خورشید پر قدرت و عظیمی است که انقلاب اسلامی ایران از آن متولد گشت اما با قدرتی بیشتر و با شعاع نوری فراتر! که وسعت جریان اربعین در جذب انسان‌ها گواهی بر این مدعا است.

جریان انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و جریان اربعینی حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که مسیری واحد را طی کرده و به سمت مقصدی واحد در حال حرکت اند. چرا که بر فراز خود، از فضای کلی «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» بهره مندند.

تأثیرات ولایت الهی در انقلاب؛ از تثبیت قلوب نسبت به امام و جمهوری اسلامی تا ضرورت تفکیک انقلاب از حاکمیت

جریان قرآنی مزبور در نسبت با انقلاب اسلامی چگونه تعریف می پذیرد؟ چنانکه می دانیم در شرایط سخت دوران رژیم گذشته، گرد آمدن قاطبه مردم به گرد امام راحل، جز به تائید الهی، تثبیت قلوب و تائید اقدام میسر نبود (امام خمینی / صحیفه نور...!) خدای متعال به دست خلیفه اش، ولایتی بر فراز ایران شکل داد تا عموم افراد به گرد امام راحل جمع شوند و اتفاقی بی نظیر در تاریخ این سرزمین خلق گردد! تحقق وعده ای که امام کاظم ع از آن سخن به میان آورد و اجتماع رویین تنان پیرامون امام راحل را چنین بیان فرمود:

«يجتمع معه قوم كزبر الحديد»

اطراف او قومی همچون پاره‌های آهن جمع می شوند.

امروز انقلاب اسلامی ایران را با مشکلات داخلی، کم کاری مسئولان، نابخردی برخی یاران و با رقابت‌ها و حسادت‌های درونش مطالعه نکنیم! انقلاب اسلامی، آن جریان عظیم نورانی و ولایی، و آن پدیده آسمانی و الهی است که در ابتدای راه، قلب‌های ما را به خود جذب کرد، کوچک و بزرگ را عاشق خود نمود و ظرفیت جذب

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الکرسی)

قلوبی با وسعت ۹۸/۲٪ را در کارنامه نورانی سرزمین ایران به یادگار نهاد. رای به جمهوری اسلامی نیز، در ابتدا رای به امام راحل بود و پس از آن به جمهوری اسلامی! انتخاب تعبیر «جمهوری اسلامی» نیز به اعتبار و اعتماد نسبت به امام صورت پذیرفت.

آن ظرفیتی که آمار فوق را وارد میدان کرد، جاذبه ای خدایی بود و منبعث از جریانی گسترده و ولایی در درون تاریخ! جریانی که وعده آن از هزار سال قبل به شیخ مفید داده شد و بالتبع، اتفاق بی نظیر تحول قلوب و اجتماع قلوب در انقلاب ایران شکل گرفت.

اینک در دوران مشکلات و کاستی ها، به ادله گوناگون لازم است تا میان «انقلاب نورانی اسلامی»، همچنین «پیکره حاکمیتی» - نظام سیاسی، امنیتی، قوانین، قواعد، ساختارها و ارگان ها- تفکیک قائل شویم تا فهمی دقیق تر از این دو مقوله داشته و مشکلات ناشی از روش های «حاکمیتی» را به حقیقت «انقلاب» تعمیم ندهیم. راهی که رهبر معظم انقلاب به صراحت از آن یاد کرده است.

مثالی از تاثیر ولایت الهی و ایجاد الگوی راهگشای اربعینی برای انقلاب؛ تحقق جذب حداکثری و دفع حداقلی در جامعه

چنانکه گفته شد، دغدغه های انقلاب اسلامی را به سهولت می توان در جریان اربعینی پی گرفت. یکی از دغدغه های انقلابی، یافتن نوع تعامل صحیح در اجتماع و تقید به آن است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه و در جایگاه ولی، سیاست نظام را «جذب حداکثری و دفع حداقلی» برشمرده، و البته بسان پدری مهربان و مادری عاشق، همه سلايق و گروه های درون کشور را مورد توجه قرار داده اند.

اما برآستی این سیاست کلان، فقط می بایست توسط ایشان به عرصه عمل کشیده شود؟! و سختی های این مسیر دشوار می بایست فقط توسط ایشان تسهیل گردد؟ سیاست جذب حداکثری نظام که یاران انقلاب، توان همراهی آن را نیافتند، اینک به دست خدای متعال در عرصه ای وسیع تر و در فضایی گسترده تر، با محوریت حب و ولایت حسینی در حال تحقق است. اینک جریان اربعینی، با عرصه ای وسیع و حیرت انگیز، صحنه ای برای تحقق این موضوع شکل داده و همگان را به عرصه دغدغه ولی زمان کشانده است. و البته با این تفاوت که جذب حداکثری واقع در اربعین، فراتر از جناح های داخلی و درون یک کشور بوده و محوریت موالیان حسین در عالم را نشانه رفته است! در بخش ششم زیارت اربعینیه، پس از آشنایی با پنج مجموعه سنگین معرفتی، وارد تعهدی به سالار شهیدان شده و چنین گفتیم که؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِي لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي

آمدن این تعهد پس از پنج فراز جدی و اختتام آن به فدیة والدین، سطح ماجرا را فراتر برده و جریان حسینی و ولایت حضرت را به عنوان جریان کانونی و شاخص سنجش این و آن معرفی می نماید.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۱۰- بررسی تطبیق مفاهیم موجود در راهپیمایی اربعین، با جریان حاکم قرآنی (مثال نور و ظلمت در آیه الكرسي)

به یقین جریان اربعین معادلات خود را حاکم خواهد کرد. اینک ضروری است تا با بهره از این خوان گسترده الهی، خود را بازبینی کرده و در نوع مواجهه با انقلاب اسلامی - که با پشتوانه ای الهی و نورانی شکل گرفت - تجدید نظر نماییم. امروز بازبینی راهکارهای ما در قبال مشکلات و گره های درون انقلاب اسلامی، به مدد جریان اربعینی میسر خواهد بود. لازم است تا متولیان فرهنگی کشور، عرصه اربعین را مورد مطالعه و الگوسازی قرار دهند و متولیان امنیتی نیز بر اساس این الگو به رفع خلاء های مدل های امنیتی اقدام ورزند. با تامل در راهکارهای خدایی واقع شده در مدل اربعینی، امیدها باز خواهد گشت و گره ها گشوده خواهد شد، ان شاء الله.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته